

سناریوی بهبود محیط کسب و کار و رشد تولید بخش‌های اقتصادی

کشور در شرایط پسا تحریم

سید کمیل طیبی^۱، زهرا زمانی^۲، نسرين کریمی^۳

چکیده:

زمانی که محیط کسب و کار بهبود می‌یابد، فرصت‌های جدیدی در بازارهای فرامرزی برای بخش‌های اقتصادی ایجاد می‌شود، به طوری که دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر و فرصت‌های جدید نقش مهمی را در رشد اقتصادی بازی می‌کند. بهره‌گیری از این فرصت‌ها نیازمند مدیریت کارا در زمینه بهبود فضای کسب‌وکار و رقابتی نمودن آن است که زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی است. از این رو اعمال اصلاحات و سیاست‌گذاری‌ها در بهبود محیط کسب و کار به عنوان پیش‌نیاز تسهیل تولید و گسترش صادرات ضرورت می‌یابد. در کشور ما نیز همزمان با حذف تحریم‌های بین-المللی بعد از توافقات هسته‌ای فرصت‌های جدید اقتصادی و تجاری بوجود می‌آید به نحوی که برای استفاده از این شرایط و ظرفیت‌سازی در اقتصاد ایران و بخش‌های مختلف مثل صنعت، معدن، خدمات و کشاورزی نیاز است تا محیط کسب و کار نیز بهبود یابد و زمینه لازم برای رشد اقتصادی ایجاد شود. بنابراین، این مقاله نقش محیط کسب و کار و سایر عوامل اقتصادی در رشد بخش‌های اقتصادی ایران را در دوره پس از لغو تحریم‌های اقتصادی و بر اساس سه سناریوی شاخص‌های بهبود کسب و کار مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج برآوردها با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا (GMM) در طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ حاکی از آن است که بهبود محیط کسب‌وکار و رشد سرمایه-

۱ استاد و مدیر قطب اقتصاد بین‌الملل دانشگاه اصفهان، ۰۹۱۳۱۴۱۲۶۸، sk.tayebi@ase.ui.ac.ir

۲ دکترای اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۰۹۱۳۱۲۸۱۲۶۲، z_zamani85@yahoo.com

۳ کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان، ۰۹۱۸۹۹۰۰۵۲۸، inoo.karimi69@gmail.com

های داخلی و خارجی و ثبات بازار ارز تأثیر مثبت و معناداری بر رشد بخش‌های اقتصاد ایجاد می‌کند.

کلمات کلیدی: محیط کسب و کار، بازبودگی اقتصادی، رشد اقتصادی، دوره پسا تحریم.

طبقه‌بندی JEL: O40, F10

مقدمه:

امروز دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی از دغدغه‌های اصلی کشورها به شمار می‌رود، از این رو بهبود در محیط کسب و کار از کانال‌های زیادی منجر به رونق تولید و رشد اقتصادی و تسهیل توسعه می‌گردد. مدیریت صحیح کسب و کار در جهت ایجاد محیطی امن و با قوانین و مقررات شفاف و ایجاد بسترهای لازم، ورود سرمایه و مشارکت صاحبان سرمایه را میسر می‌نماید که موجب ارتقاء عملکرد بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی و نهایتاً رشد اقتصادی است. در مقابل نبود فضای امن اقتصادی و بی ثباتی و دست و پاگیر بودن قوانین و مقررات موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و ایجاد نگرانی و دلسردی سرمایه‌گذاران برای فعالیت می‌شود.

در شرایط کنونی و با فرض برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی پس از توافقات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ فرصت‌های زیادی از جمله جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه تجارت بین‌الملل ایجاد می‌شود که در صورت فقدان محیط کسب و کار مناسب و نبود ثبات در اقتصاد و قوانین و مقررات بهره‌گیری از این فرصت‌ها غیر ممکن می‌نماید و این مسأله موجب تضعیف بدنه اصلی اقتصاد، صادرات و تولیدات داخلی گشته و اقتصاد غیر رسمی و هزینه‌های تولید را نیز افزایش دهد.

علاوه بر این واضح است که صاحبان سرمایه‌داری‌های خود را در بازاری با قوانین و مقررات دست‌وپا گیر و پر نوسان مشارکت نداده و چنین بازاری را برای ورود کالاهای خود به عنوان بازار مصرف نشانه می‌گیرند که آسیبی جدی و جبران ناپذیر بر تولیدات داخلی و کل اقتصاد وارد می‌نماید. لغو تحریم‌ها همچون شمشیری دو لبه است که فرصت‌ها و تهدیدهایی را به همراه دارد، حال آن که بهره‌گیری از فرصت‌های بی‌شمار آن منوط به ایجاد زیرساخت‌های لازم و اصلاحات اساسی است.

در این میان اعمال اصلاحات و سیاست‌های مناسب برای بهبود محیط کسب و کار و فراهم آوردن شرایطی متناسب با دوره پس از تحریم که امکان تجارت خارجی و ورود سرمایه را در پی داشته باشد ضروری است. همان‌طور که در کشور ویتنام قبل از برداشته شدن تحریم‌ها برای آماده‌سازی اقتصاد در شرایط پس از تحریم اصلاحاتی انجام گرفت که بیشتر در چهار زمینه حقوق مالکیت در سال (۱۹۸۸)، ثبات اقتصاد کلان، به ویژه نرخ تورم (۱۹۸۹)، بهبود محیط کسب و کار و تسهیل

راه‌اندازی فعالیت‌های اقتصادی (۱۹۹۰) و در نهایت قانون ایجاد شرکت‌های خصوصی و کاهش تمرکزگرایی، آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی (۱۹۸۷) شکل گرفت، به طوری که اصلاحات در چهار حوزه بالا موجب موفقیت ویتنام در دوره پس از لغو تحریم‌ها در کسب رشد اقتصادی بوده است.

با نگاهی به تجربه کشور ویتنام و سایر کشورهایی که دچار تحریم و شبه تحریم اقتصادی بوده‌اند می‌توان دریافت که لغو تحریم‌ها به تنهایی موجب بهبود شاخص‌های اقتصادی نبوده و باید در جهت ثبات اقتصاد کلان و بهبود محیط کسب‌وکار و آزادسازی تجاری و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی چاره‌اندیشی کرد.

بنابراین، این مطالعه تلاش دارد تا با ارزیابی رابطه محیط کسب‌وکار و رشد اقتصادی در بخش‌های اقتصاد کشاورزی، معدن، صنعت و خدمات با استفاده از اطلاعات بخش‌های اقتصادی کشور در قالب داده‌های تابلویی (پویا) برای دوره ۲۰۰۴-۲۰۱۴ و ارائه‌ی سه سناریوی بهبود محیط کسب‌وکار متناسب با فضای پس از لغو تحریم‌ها بر رشد بخش‌های اقتصادی مثل صنایع، معادن، خدمات، کشاورزی مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس، این پژوهش در ۶ بخش تنظیم شده است: در بخش ۲ به بیان مبانی نظری و مفاهیم مورد نیاز مانند رابطه رشد اقتصادی و هر کدام از شاخص‌های فضای کسب و کار پرداخته شده است، در حالی که بخش ۳ به مروری بر پیشینه موضوع اختصاص دارد. در ادامه و در بخش‌های ۴ و ۵ به ترتیب به تصریح و برآورد الگوی پژوهش و پس از آن اعمال سناریوهای بهبود شاخص‌های کسب و کار و تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. نهایتاً نتایج برآورد و جمع‌بندی و ارائه راهکارها در بخش پایانی یعنی بخش ۶ مورد بحث قرار می‌گیرد.

مبانی نظری، تعاریف، شاخص‌ها:

-بهبود محیط کسب و کار و رشد اقتصادی

بر اساس تعریف بانک جهانی از سهولت فضای کسب و کار، این شاخص به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که فضای کلان کسب و کار را شکل می‌دهند و بسیاری از این متغیرها تحت تسلط و در اختیار مدیر بنگاه اقتصادی نبوده اما بر عملکرد بخش خصوصی و همچنین شکست یا موفقیت آن تأثیر گذار است. این شاخص از ۱۰ زیر شاخص شامل شروع کسب و کار، اخذ پروانه های مورد نیاز و اجازه ساخت و ساز، استخدام نیروی کار، ثبت دارایی، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه گذاران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، اجرای قرارداد و خاتمه کسب و کار تشکیل شده است (جوزدانی، ۱۳۹۲).

محیط کسب و کار شامل نهادها، مقررات و رویه های اداری مندرج در محیط فعالیت اقتصادی است و به نوعی هزینه های غیر فنی فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کند. هرچه مراحل، هزینه ها و زمان انجام مراحل ثبت شرکت، اخذ مجوز از شهرداری و سایر دستگاه های مرتبط برای تاسیس محل فعالیت، دریافت انشعاب برق، استخدام و اخراج کارکنان، ثبت دارایی در سازمان ثبت املاک، اخذ تسهیلات و اعتبارات، حمایت از حقوق سهامداران جزء، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، صدور حکم در نظام قضایی و اعلام ورشکستگی و خاتمه بخشیدن به کسب و کار کمتر باشد هزینه های شروع و تداوم فعالیت اقتصادی کاهش و احتمال شکل گیری کسب و کارها افزایش می‌یابد (گزارش وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۹۱).

محیط کسب و کار در ایجاد رشد اقتصادی نقش عمده ای بر عهده دارد زیرا اولاً: محیط کسب و کار نامناسب هزینه های تولید را بالا می‌برد، زیرا بنگاه ها با دونوع هزینه روبرو هستند: یکی هزینه ای که بنگاه پرداخت می‌کند و دیگری هزینه ای که محیط تحمیل می‌کند. مشکل بعدی این است که محیط کسب و کار نامناسب یا شرکت ها را بیش از اندازه بزرگ یا بیش از اندازه کوچک می‌کند و امکان تعامل بین شرکت های کوچک و بزرگ را از بین می‌برد زیرا از یک سو بزرگ شدگی نامناسب شرکت ها وجود دارد که ناشی از این است که مسئولین بنگاه حس می‌کنند اگر کار را به دیگری بسپارند مشکلات غیر قابل کنترلی ایجاد می‌شود. بنابراین واحدهایی را ایجاد می‌کنند که در

آنها تخصص ندارند و از این رو متحمل هزینه اضافی می‌شوند. همچنین محیط کسب و کار نامناسب، امکان مشارکت‌های مالی را کاهش می‌دهد و وقتی هم سیستم قضایی نامناسب باشد یا امنیت به درستی تعریف نشده باشد، امکان مشارکت مالی در اقتصاد پایین می‌آید. مشکل دیگر محیط کسب و کار نامناسب این است که بنگاه‌های بزرگ و کوچک قادر به ایجاد شبکه^۱ نیستند، این در حالی است که در کشورهای با سیستم قضایی و حقوقی یکپارچه و روان شبکه‌سازی بسیار آسان است. امروز این شبکه‌ها هستند که با یکدیگر در رقابت هستند، یعنی یک بنگاه منفرد نیست، و اهمیت تولید شبکه‌ای در ایجاد بهره‌وری و قدرت رقابت‌پذیری است. نتیجه دیگر محیط نامناسب کسب و کار، حرکت بنگاه‌ها به سمت اقتصاد غیر رسمی است، به طوری که تولیدکننده از پرداخت مالیات فرار می‌کند، اما در اثر آن نمی‌تواند وام بگیرد و رشد نماید، یعنی اقتصاد غیر رسمی، مؤید کوچک ماندن بنگاه‌هاست. بنابراین یکی از الزامات و پیش‌نیازهای رشد اقتصادی، آسان‌سازی محیط کسب و کار است. زمانی که مقررات کسب و کار بنگاه‌ها پرهزینه و دردسرساز باشد، آنها به فعالیت در بخش غیررسمی متمایل می‌شوند، از آنجا که امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌های بنگاه‌ها در بخش غیر رسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه‌ها کوچک مانده و به شرایط صرفه‌های ناشی از مقیاس نمی‌رسند و در نتیجه، رشد اقتصادی و اشتغال کمتری ایجاد می‌شود. در مجموع اصلاح و بهبود محیط کسب و کار می‌تواند سبب کاهش هزینه و ریسک راه‌اندازی کسب و کار جدید شده و فضای انتقال بنگاه از بخش غیررسمی به بخش رسمی و رشد و گسترش آنها ایجاد شود (شهنازی و دهقانی شبانی، ۱۳۸۸).

نشانه‌های بهبود کسب و کار در شاخص‌های ۱۰ گانه^۲ طبق طبقه‌بندی کارگروه بانک جهانی (DB)^۳ قابل ترتیب است، اولین شاخص مربوط به شروع کسب و کار است که در آن به تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت توجه می‌شود. به عبارتی کمتر شدن مراحل شروع کار به منزله بهبود آن بوده است. کاهش مقداری مراحل اخذ مجوز خرید و

^۱ Networking

^۲ شاخص‌های کسب و کار عبارتند از: شروع کسب و کار، اخذ مجوز خرید، فروش، ساخت و ساز، شاخص اخذ امتیاز برق، ثبت و انتقال مالکیت، اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران)، پرداخت مالیات، تجارت برون مرزی، انحلال یک فعالیت و الزام آور بودن اجرای قراردادها.

3 Doing Business

فروش و ساخت و ساز وقتی کاهش یابد، باز علامتی بر بهبود محیط کسب و کار است. همچنین بهبودی در شاخص‌های تجارت برون مرزی و حمایت از سرمایه‌گذاران به منزله‌ی بهبود محیط کسب و کار تلقی می‌شود.

در عمل، شاخص شروع کسب و کار کل فرایندی را در بر می‌گیرد که یک کارآفرین جهت ثبت شرکت طی می‌کند، در صورتی که تعداد مراحل و موانع قانونی و هزینه و زمان صرف شده در طی این فرایند افزایش یابد احتمال پیگیری و ثبت کسب و کار کاهش می‌یابد. شاخص اخذ مجوزها از نظر بانک جهانی بیشتر به اخذ پروانه‌های ساختمانی و خرید و فروش اختصاص می‌یابد و شاخص اخذ مجوز برق که از سال ۲۰۱۱ به شاخص‌های کسب و کار اضافه شده است و در هر دوی این شاخص‌ها هر چه هزینه صرف شده برای اخذ مجوزها و تعداد مراحل و زمان افزایش یابد تمایل کارآفرینان برای راه اندازی کسب و کار کاهش می‌یابد که نتیجه کاهش انگیزه تولید است. شاخص ثبت و انتقال مالکیت، فرایند ثبت حقوق مالکیت را بررسی می‌کند. در این شاخص مرحله‌ی که به موجب قانون جهت انتقال یا ثبت مالکیت باید انجام شود را نشان می‌دهد و مرحله‌ی از جمله خرید یک زمین یا ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر را شامل می‌شود.

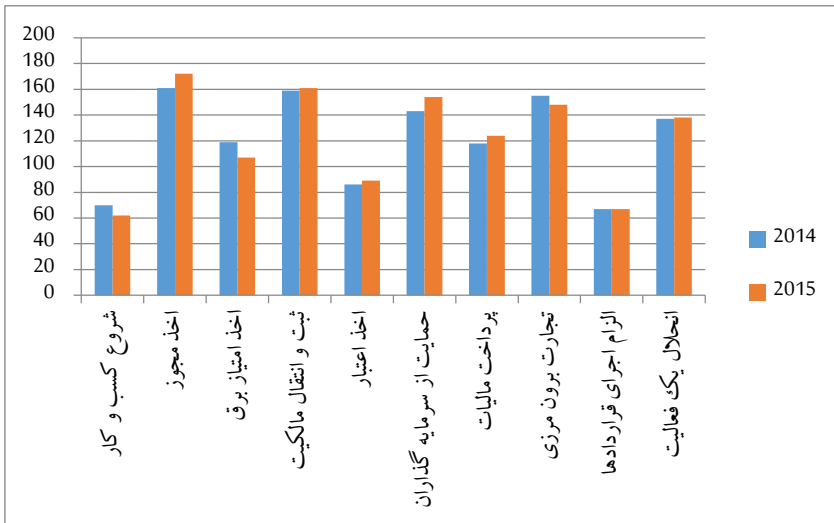
شاخص اخذ اعتبار میزان آگاهی افراد به حقوق قانونی خود را نشان می‌دهد و دارای چهار زیر شاخص دسترسی، کیفیت، اشتراک‌گذاری، و مبادله اطلاعات اعتباری است. در صورت وجود یک بازار شفاف و امکان بیشتر دسترسی به اطلاعات، انگیزه جهت راه‌اندازی و ثبت کسب و کار توسط کارآفرینان به شدت افزایش می‌یابد. شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران نیز به سنجش مسئولیت و پاسخگویی مدیران در برابر سهامداران و ارائه اطلاعات روشن در مورد معاملات می‌باشد و هرچه شفافیت و پاسخگویی افزایش یابد به افزایش ثبت کسب و کار می‌انجامد. شاخص پرداخت مالیات نیز یکی از شاخص‌های کسب و کار است که با در نظر گرفتن تعداد پرداخت‌ها، زمان و نرخ‌های مالیاتی بر روی عملکرد سرمایه‌گذاران تأثیر دارد و هرچه نرخ مالیات و تعداد پرداخت‌ها و زمان صرف شده کاهش یابد جذب سرمایه‌گذاران جهت مشارکت و راه‌اندازی فعالیت افزایش می‌یابد.

شاخص تجارت برون مرزی میزان سهولت یا دشواری فرایند صادرات یا واردات کالا را بررسی می‌کند و هر چه روند انجام امور صادرات و واردات تسهیل شود محیط کسب و کار بهبود می‌یابد،

که تأثیر مستقیم بر رشد تولید بنگاه دارد. همچنین شاخص الزام آور بودن اجرای قراردادهای سهولت انجام امور قضایی و دعوی های حقوقی را مورد بررسی قرار می‌دهد و هر چه نظام قضایی تقویت شود این شاخص بهبود یافته و در نهایت موجب توسعه فعالیت‌ها می‌گردد. در نهایت شاخص انحلال فعالیت با در نظر گرفتن زمان و هزینه‌ای است که سرمایه‌گذاران و سهامداران جهت اخذ مطالبات خود صرف می‌کنند از طرفی درصدی از مطالباتی که سهامداران می‌توانند امیدوار باشند که پس از ورشکستگی شرکت نصیبشان می‌شود را نیز بررسی می‌کند. در صورتی که سهامداران بتوانند در زمان و با هزینه‌ای اندک به درصد بالایی از مطالبات خود دست یابند نشان از تقویت محیط کسب و کار بهبود انگیزه سرمایه‌گذاری در چنین بازاری است. در نمودار زیر می‌توان رتبه کشور ایران در هر کدام از شاخص‌های مذکور در سال ۲۰۱۴ را ملاحظه کرد. لازم به ذکر است که رتبه بندی در بین ۱۸۹ کشور مورد بررسی گروه کسب و کار می‌باشد. همان‌طور که نمودار (۱) نشان می‌دهد شاخص لازم الاجرا بودن قراردادهای با رتبه ۶۶ نسبت به بقیه‌ی شاخص‌ها در وضعیت بهتری است اما شاخص اخذ مجوز با رتبه ۱۷۲ در بین ۱۸۹ کشور در وضعیت خوبی نیست و نه تنها این شاخص بلکه عمده شاخص‌ها در وضعیت نامناسبی هستند. لذا اصلاحات نظارتی در جهت بهبود محیط کسب و کار ضروری است.

در سال ۲۰۱۴ بالاترین رتبه مربوط به شاخص اخذ مجوز است که از بین ۱۸۹ کشور رتبه ایران ۱۶۱ بوده و پس از آن به ترتیب شاخص ثبت و انتقال مالکیت و شاخص تجارت برون مرزی قرار دارند. در این سال بهترین رتبه مربوط به شاخص الزام آور بودن اجرای قراردادهاست که ایران در رتبه ۶۷ قرار دارد.

در سال ۲۰۱۵ رتبه ایران در شاخص شروع کسب و کار، اخذ امتیاز برق و تجارت برون مرزی بهبود یافته است که نشان‌دهنده تلاش مسئولین برای بهبود وضعیت مقررات در این شاخص هاست. افزایش رتبه ایران در شاخص‌های اخذ مجوز و حمایت از سرمایه‌گذاران نشان‌دهنده توجه به وضعیت نامناسب این شاخص‌ها و چاره‌اندیشی در جهت اصلاح مقررات در این زمینه است. رتبه ایران در مابقی شاخص‌ها تفاوت چشمگیری نداشته است. نمودار آبی اطلاعات سال ۲۰۱۴ و نمودار قرمز سال ۲۰۱۵ را نشان می‌دهد.



نمودار ۱- مقایسه وضعیت شاخص‌های کسب و کار ایران (۲۰۱۴)

منبع: کارگروه کسب و کار و یافته‌های پژوهش

همان‌طور که ذکر شد گزارش‌های گروه کسب و کار معیار و راهنمای مهمی برای اطلاع رسانی به دولت‌ها در جهت بهبود محیط کسب و کار و انجام اصلاحات نظارتی است. با این حال این دولت است که انتخاب می‌کند چگونه از گزارش‌های کسب و کار در تغییر روند اصلاحات خود استفاده نموده و رتبه کسب و کار خود را بهبود بخشد. در شرایط فعلی کشور فرصت‌های اقتصادی و تجاری پس از برداشته شدن تحریم‌ها ایجاد می‌شود، به طوری که اهمیت اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با محیط کسب و کار دو چندان می‌شود و می‌توان هدف را در حداکثر سازی تأثیر اصلاحات بر روی رشد اقتصادی قرار داد. بدین لحاظ ترویج رشد بخش خصوصی همواره در قلب برنامه‌های توسعه است و بسیاری از کشورهای در حال توسعه به اهمیت این موضوع پی برده اند و اذعان می‌دارند که اشتغال و رفاه به بهترین وجه ایجاد شده منوط به رها کردن پتانسیل بخش خصوصی است.

گزارش‌های بانک جهانی به دولت‌ها کمک کرده است که به ارزیابی سلامت نظام نظارتی خود بپردازند و شرایط اعمال اصلاحات را فراهم سازند. در واقع با نگاهی به همین گزارش‌ها می‌توان به استنباطی از کل سیستم یک اقتصاد رسید. DB یک منبع اطلاعاتی مهم در مورد فرصت کسب و

کار را به سرمایه‌گذاران بین‌المللی می‌دهد که به طور بالقوه سرمایه‌گذاری خارجی افزایش و شتاب در رشد اقتصادی حاصل گردد. بهبود قابل‌درکی در محیط کسب و کار می‌تواند به حجم بزرگتری از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI¹) منجر می‌شود و در نهایت می‌تواند به تحریک اقتصاد منجر شود.

رتبه کسب و کار یک ابزار تبلیغاتی مؤثر برای دولت‌هاست، که دولت ممکن است به دلایل مختلفی مایل به بهبود تصویر خود باشد. مثلاً بهبود رتبه کسب و کار ممکن است منجر به ایجاد جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در بخش‌های صنعت، معدن، کشاورزی و حتی خدمات شود. افزایش FDI می‌تواند اثری بیش از افزایش بهره‌وری در صنایع داخلی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

بخش اعظمی از سرمایه‌گذاری خارجی مربوط به شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی است که با توجه به گزارش کسب و کار کشورها اقدام به مشارکت و سرمایه‌گذاری می‌کنند و بیشتر مقررات مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی را دنبال می‌کنند. اما اغلب شرکت‌های کوچک و متوسط (SME²) ها هستند که روی موانع نظارتی مختلف و هزینه‌هایی که طی مراحل مختلف باید صرف کنند، تمرکز می‌نمایند زیرا برای این شرکت‌ها این هزینه‌ها قابل توجه است. با این حال هنوز هم SME ها نقش مهمی در جذب FDI به ویژه از طریق سرمایه‌گذاری مشترک بازی می‌کنند، به گونه‌ای که بهبود محیط سرمایه‌گذاری می‌تواند به ایجاد طرح‌های کسب و کار جدید و گسترش فعالیت بنگاه‌های تولیدی موجود منجر شود (مارک³، ۲۰۱۲)

در مجموع، اصلاحات یک فرایند مداوم از صدور، بررسی، اصلاح، و یا حذف قوانین و سیاست‌های نامناسب که نیاز به تلاش و ظرفیت بالای دولت دارد. اعمال اصلاحات فقط صدور قوانین و مقررات نیست بلکه ایجاد مؤسساتی است که قوانین مدون را عملی کنند. لذا در کشور ما نیز اصلاحات متناسب با شرایط پس از لغو تحریم‌ها باید محیط کسب و کاری همگام با خواسته‌های

¹ Foreign Direct Investment

² Small Medium Enterprises

³ Marek

یک اقتصاد بازار مدرن و رقابتی را ایجاد کند، که در آن سازمان تولید بنگاه‌ها و بخش‌های اقتصادی جدید بر پایه بهبود ساختاری در شاخص‌های کسب و کار شکل بگیرد.

مروری بر پیشینه موضوع:

شهنازی و دهقانی شبانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. شاخص فضای کسب‌وکار مورد استفاده در تحقیق آنها شاخص فضای کسب و کار بانک جهانی است که در چارچوب یک مدل رشد درونزا تأثیر اجزای این شاخص بر رشد اقتصادی در ۶۸ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ به روش داده‌های تابلویی برآورد شده است. نتایج آنها نشان می‌دهد ضعف در هفت زیر بخش تعطیل کردن کسب‌وکار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قراردادهای، استخدام و اخراج کارگران و راه‌اندازی کسب و کار جدید اثر منفی و منطبق با تئوری بر رشد اقتصادی در نمونه مورد آزمون دارد.

دامن‌کشیده و خدابخش‌زاده (۱۳۹۱) در پژوهش خود رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مقررات کسب‌وکار و رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار می‌دهند. مطالعه آنها با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی صورت گرفته است. نمونه آماری آنها ۱۹ کشور منتخب از کشورهای G77 بوده است. نتایج حاصل از برآوردهای آنها نشان می‌دهد که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مورد مطالعه با دوره تأخیر بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین حاکمیت قوانین با یک دوره تأخیر تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

بختیاری و شایسته (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با تأکید بر ایران پرداخته‌اند. بدین منظور از روش داده‌های تابلویی طی دوره ۹۰-۱۳۸۴ استفاده کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد بهبود فضای کسب و کار رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است.

عبداللهی، مهربانی و بصیرت (۱۳۹۲) در مطالعه خود به بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۱ پرداخته‌اند. آنها در مقاله خود، به دنبال بررسی وضعیت

فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بوده‌اند. پژوهش آنها بر اساس روش تحلیلی با استفاده از تکنیک‌های اقتصاد سنجی و اطلاعات آماری بانک جهانی و سایت محیط کسب و کار بوده است. نتایج تجربی آنها حاکی از اثر گذاری بیشتر شاخص‌های حمایت از سهامداران خرد، اخذ اعتبار و اجرای قراردادهای بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی بوده است که توجه به این شاخص‌ها و بهبود آنها می‌تواند تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی کشورهای OECD به همراه داشته باشد.

بابکی و سلیمی (۱۳۹۳) در بررسی خود نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب را مورد ارزیابی قرار دادند روش برآورد آنها با استفاده از روش داده‌های تابلویی و برای دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ بوده است. نتایج برآوردهای آنها حاکی از آن است که اثر گذاری آزادی اقتصادی، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. همچنین نتایج حاصل از آزمون برابری دو ضریب نشان می‌دهد که اثرگذاری آزادی اقتصادی نسبت به محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی بیشتر است.

بودهیاف و ضریبی^۱ (۲۰۱۴) در مقاله ای به بررسی رابطه مقررات فضای کسب و کار و رشد اقتصادی برای ۱۶۲ کشور در دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۱ پرداختند. آنها با استفاده از ده شاخص انجام کسب و کار و برخی از دیگر متغیرهای کنترل دریافتند که یک لینک ارتباطی بسیار قوی بین شاخص‌های کسب و کار بجز تجارت برون مرزی و اخذ مجوز ساخت و ساز، با رشد اقتصادی وجود دارد. همچنین یافته‌های آنها حاکی از آن است که سیاست‌ها در جهت بهبود مقررات کسب و کار به رشد سریع‌تر کشورهای فقیر می‌انجامد.

حیدر^۲ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر اصلاحات در مقررات کسب و کار رشد اقتصادی در ۱۷۲ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰ با روش اثرات ثابت مقطعی پرداخته است. نتایج حاصل از برآوردهای این مطالعه نشان می‌دهد که به طور متوسط، هر اصلاح در مقررات کسب و کار، باعث افزایش ۱/۵ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود.

1 Boudhief & Zribi

2 Jamal Ibrahim Haidar

کالی و سن^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر سیاست‌های دولت در محیط کسب و کار و رشد اقتصادی با استفاده از رگرسیون‌های رشد استاندارد و روش داده‌های تابلویی پویا پرداختند. نتایج این مقاله که در سطح محلی و ایالت‌های کشور هندوستان انجام گرفت نشان می‌دهد که اصلاحات مؤثر دولت در محیط کسب و کار به طور قابل توجهی بر روی رشد اقتصادی اثر گذار بوده و تعامل بین دولت و بخش خصوصی است که به طور چشمگیری موجب هدایت روند رشد اقتصادی می‌گردد.

ساینی^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله خود به بررسی رابطه سیستماتیک میان آزادی اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی پرداخته اند. نتایج تجربی آنها نشان می‌دهد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) به صورت مستقیم اثر خود را (مثبت) بر روی رشد اقتصادی باقی نمی‌گذارد و اثر FDI مشروط به سطح آزادی اقتصادی در کشورهای میزبان است. به این معنی که در کشورهایی که از آزادی اقتصادی بیشتری برخوردارند شرکت‌های چند ملیتی در آنها حضور می‌یابند و اثر حاشیه‌ای از سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد به آزادی فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای میزبان بستگی دارد. این مطالعه که با استفاده از داده‌های تابلویی و برای ۸۵ کشور دنیا برای دوره ۲۰۰۴-۱۹۷۲ انجام گرفته است؛ پیشنهاد می‌کند که برای جذب سرمایه گذاری مستقیم لازم است که سیاست‌گذاران فعالیت‌های اقتصادی را جهت دهند، به گونه‌ای که قبل از هر اقدامی جهت جذب FDI سیاست‌های شفاف برای سرمایه گذاران بالقوه ایجاد کنند. اصلاحات یک فرایند دشوار و نیازمند یک تعهد بلند مدت است لذا در بعضی از کشورها انجام اصلاحات در کوتاه مدت دشوار است اما در بلندمدت منافع اقتصادی فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند.

استل و همکاران^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی اثر قوانین و مقررات کسب و کار بر روی کارآفرینان نوپا و جوان پرداختند. برآوردهای آنها که برای ۳۹ کشور انجام شد حاکی از آن است که کمبود سرمایه موردنیاز جهت شروع کسب و کار است که موجب کاهش نرخ شروع فعالیت و

1 Cali & Sen

2 Saini et al

3 Stel et al

کارآفرینی در کشورها می‌شود و مراحل اداری کسب و کار مانند هزینه و زمان با نرخ شکل‌گیری کسب و کار جدید ارتباطی ندارند.

باوس و گرویزارد^۱ در پژوهش خود با عنوان مقررات و رشد اقتصادی که در دو نوبت در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ انجام دادند دریافته‌اند که مقررات دست و پاگیر و بیش از اندازه در کشورهای با مقررات بالا، رشد اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) را محدود می‌کند. همین‌طور یافته‌های این مطالعه حاکی از این است که نتایج رابطه مقررات و رشد می‌تواند بر اساس مدل‌های اقتصادسنجی مختلف، متفاوت باشد.

هر چند مطالعات گردآوری شدن رشد اقتصادی و محیط کسب و کار در مطالعات انجام گرفته از توجه به تلاطم‌های نرخ ارز که همواره بر کل اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر سایه انداخته غفلت شده است و همین‌طور رشد به صورت کلی در نظر گرفته شده است در صورتی که محیط کسب و کار می‌تواند رشد اقتصادی بر بخش‌های اصلی اقتصاد از جمله خدمات، کشاورزی، صنعت و معدن اثرات متفاوتی ایجاد کند یکی دیگر از موضوعاتی که پژوهش فعلی را با سایر پژوهش‌های انجام گرفته متفاوت می‌سازد توجه به مسئله تحریم‌هاست که در شرایط فعلی اقتصاد که امکان لغو تحریم‌ها نیاز به اصلاحات محیط کسب و کار و مدیریت قوانین نظارتی را ضروری می‌نماید. لذا به همین منظور سناریوهایی در جهت بررسی تأثیر تغییر محیط کسب و کار بر روی رشد اقتصادی اعمال می‌شود که اهمیت مدیریت کسب و کار بیشتر درک شود، به ویژه آن که فرصت برای رشد بخش‌های اقتصادی در دوره پساتحریم فراهم می‌شود.

1 Busse and Groizard

الگوی پژوهش:

در تصریح مدل رشد اقتصادی کشور برای بخش‌های اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات از یک تابع تولید کاب-داگلاس در سطح کلان استفاده می‌شود، به طوری که یک فرم رگرسیونی لگاریتمی-خطی به صورت زیر قابل تعریف است، که در آن تولید هر بخش (Y_i) تابعی از موجودی سرمایه (K) ، موجودی منابع انسانی (L) و تجارت خارجی (T) است، که عمدتاً متغیر صادرات یا باز بودن تجارت در نظر گرفته می‌شود:

$$\ln Y_i = \beta_0 + \beta_1 \ln L_i + \beta_2 \ln K_i + \beta_3 \ln T_i + U_i \quad (1)$$

که در آن β_k ($k=1,2,3$) ضرایب شیب مدل تولید هستند که عمدتاً دارای علامت انتظاری مثبت بوده و تغییرات هم جهت تولید را با متغیرهای پیشگفته نشان می‌دهند. U_i جمله خطا در معادله بخش i است که به صورت عامل غیر قابل مشاهده‌ای در طول زمان تولید آن بخش را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

برای گنجاندن متغیر تجارت خارجی (صادرات) در تابع تولید بخش‌ها، توجیهات متعددی مطرح شده است، ولی آن‌چه که وجود این متغیر را در تابع تولید موجه می‌سازد بر اساس همان نظریه شکاف دو وجهی است. مطابق با این نظریه، علاوه بر نیروی کار و سرمایه، کارکرد بخش عمده‌ای از اقتصاد یک بخش استفاده از ظرفیت‌های موجود متکی به میزان دریاقتی‌های ارزی است چنان‌چه کاهشی در میزان صادرات بوجود آید، بخش‌های اقتصادی یک کشور را دچار محدودیت‌های ارزی می‌کند که این هم به نوبه‌ی خود آثار منفی بر واردات مواد واسطه‌ای و سرمایه‌ای ایجاد می‌کند. این امر در کارکرد اقتصاد یک کشور تأثیر مستقیم دارد، به طوری که در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و هزینه‌های عمرانی دولت خلل وارد می‌شود. بنابراین با توجه به درآمدهای ارزی حاصله از صادرات است که واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای صورت گرفته، و چرخه تولید و سرمایه‌گذاری به حرکت درمی‌آید و منجر به بهبود فضای کسب و کار می‌شود. لذا می‌توان گفت

که درآمدهای ارزی، یک عامل بسیار مهم در چرخه‌ی تولیدی هر بخش و به مراتب کانال مؤثر در بهبود محیط کسب و کار آن بخش است.

علاوه بر این، تجارت باعث می‌شود که کشورهای در حال توسعه به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که برای فرایند توسعه حیاتی و اساسی هستند، دسترسی پیدا کنند. نظریات اقتصادی و تجربیات کاربردی حاکی از آن است که بازار آزاد و آزادسازی تجارت راهی اثبات شده برای رسیدن به تولید و توسعه است. امکان وجود یک رابطه مثبت بین سیاست بازبودگی تجاری و رشد، یک عامل مهم در تحریک موج بی سابقه اصلاحات تجاری در بسیاری از کشورها بوده است. مبنای منطقی برای به اجرا درآوردن برنامه‌های اصلاحات تجاری، این اعتقاد است که آزادسازی، پیش‌نیاز انتقال از یک اقتصاد نسبتاً بسته به یک اقتصاد نسبتاً باز است. بنابراین باز بودن تجاری پیش‌نیاز رشد خواهد بود (حضار مقدم و عبدلی، ۱۳۹۲)

در ادبیات اقتصادی، بر نقش مؤثر بر سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و عوامل انسانی در رشد اقتصادی تأکید می‌شود (لوکاس، ۱۹۸۸). با این حال، سرمایه‌گذاری از طریق منابع داخلی و خارجی تامین می‌شوند. کو و هلپمن^۱ (۱۹۹۵) نشان می‌دهند که رشد اقتصادی در کشورهای مختلف متأثر از رشد جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری خارجی است. بدین ترتیب، یک تقریب مشخص برای جریان‌های سرمایه‌ی خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) است که در تابع تولید یا رشد اقتصادی وارد می‌شود. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که ثبات در درآمدهای ارزی و پویایی بخش‌ها در جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در تعامل با شاخص‌های بهبود محیط کسب و کار (از جمله شفافیت بازار، بهبود شرایط برون مرزی،...) از عوامل تأثیرگذار بر رشد تولید بخش‌های اقتصادی هستند. بنابراین شکل تعمیم یافته رابطه (۱) در قالب فرم زیر مجدداً تعریف می‌شود:

$$\ln Y_i = \beta_0 + \sum \beta_i \ln W_i + U_i \quad (2)$$

¹ Coe, D.T. and E. Helpman

که در آن Wi بردار تعیین کننده های تابع تولید هر بخش است، به طوری که:

$$Wi = [Li, DKi, Ti, DBi] \quad (3)$$

که در آن L ، DK ، T و DB به ترتیب منابع انسانی، تغییر در موجودی سرمایه‌های داخلی و خارجی، تجارت خارجی و شاخص بهبود فضای کسب و کار را در بخش اقتصادی i نشان می‌دهند. در بخش‌های ۲ و ۳ مقاله چگونگی تأثیر شاخص‌های بهبود محیط کسب و کار (DB) مانند کمتر شدن مراحل شروع کار، کاهش مقداری مراحل اخذ مجوز خرید و فروش و ساخت و ساز، گسترش تجارت برون مرزی و حمایت از سرمایه‌گذاران بر رشد ظرفیت اقتصادی بخش‌های تولیدی به بحث گذاشته شد. در الگوهای رشد درون‌زا از تشکیل سرمایه انسانی که منجر به نوآوری و خلاقیت در افزایش تولید و بهبود کسب و کار مؤثر است به عنوان عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. سرمایه‌گذاری در آموزش عالی که به منزله تشکیل سرمایه انسانی است، بهره‌وری منابع تولید و کارایی بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش هزینه‌های مبادله می‌شود. وجود رشد پایدار در سطح کلان به منزله خلق فرصت‌های شغلی جدید و کاهش هزینه‌های مبادله است. در عمل کاهش در این هزینه‌ها یعنی افزایش کارایی بنگاه‌های اقتصادی و رشد فعالیت‌های مولد آنهاست که در نهایت محیط کسب و کار را بهبود می‌بخشد (طیبی و زمانی، ۱۳۹۳). آموزش به عنوان انعکاسی از مهارت نیروی انسانی عامل مهمی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شود. جمعیت آموزش دیده توانایی زیادی برای انجام کارهای خیلی پیچیده دارد و به آسانی خود را با وظایف جدید وفق می‌دهد. همچنین آموزش، توانایی کشور را در جذب تکنولوژی جدید افزایش می‌دهد. علاوه بر این آموزش به عنوان یک عامل تغییر ساختاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شرکت‌های بین‌المللی از تولیدات کاربر به تولیدات تکنولوژی‌بر می‌شود. به عبارت دیگر وجود نیروی کار آموزش دیده و خیره در سازمان‌های تجاری مدرن عامل مهم و مؤثری بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.

به پیروی از باوس و خوزه لوئیس گرویزارد تأثیر تلاطم‌های نرخ ارز بر رشد بخش‌های اقتصادی که ناشی از بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی آنهاست، نیز یکی از عواملی است که به عنوان جایگزین تجارت در الگوی رشد این مطالعه در نظر گرفته می‌شود، زیرا بی‌ثباتی در بازار از ایران همواره عامل تعیین‌کننده‌ای در محدود سازی رشد تولیدی بخش‌های اقتصادی بوده و فضای کسب و کار را نیز، تخریب کرده است. نرخ واقعی ارز در هر کشور از شاخص‌های اساسی و بنیادین در تعیین درجه رقابت بین‌الملل و تبیین وضعیت داخلی و ثبات اقتصاد آن کشور به شمار می‌رود. در واقع تلاطم نرخ ارز یکی از شاخص‌های کلیدی نااطمینانی‌های مالی است و به ویژه تلاطم نرخ ارز بر بسیاری از متغیرهای اقتصاد کلان مانند تجارت بین‌الملل و شوک‌های پولی اثرگذار است. با یافتن راهی مطمئن برای کاهش این نوسان‌ها و همچنین پیش‌بینی آن‌ها عملکرد دولت و بانک مرکزی در بازارهای ارز کاراتر شده و هزینه هجینگ بنگاه‌ها کمتر می‌شود (طیبی و زمانی، ۱۳۹۱). در چنین شرایطی ثبات نرخ ارز یکی از عوامل پیش‌نیاز در جهت رشد اقتصادی است.

همچنین از موارد بسیار مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وضعیت مقررات و میزان حاکمیت قوانین در کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری است. مقررات به طور نسبی می‌تواند به صورت مانعی برای ورود سرمایه‌گذاران به عرصه تولید باشد، زیرا مانعی است که بر سر راه سرمایه‌گذاران داخلی و هم سرمایه‌گذاران خارجی قرار دارد. اتخاذ قوانین با ثبات و با کاهش قوانین دست‌وپا گیر به منظور ورود و خروج به کسب و کار باعث خواهند شد که تعداد سرمایه‌گذاران خارجی وارد شده به اقتصاد میزبان بیشتر شده و اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی کشور میزبان بگذارد (دامن‌کشیده و خدابخش-زاده، ۱۳۹۱).

بنابراین، الگوی این پژوهش بر پایه‌ی الگوی رشد سولو^۱ که پیوند دهنده‌ی محیط کسب و کار و رشد تولید بخش‌های اقتصادی کشور است، به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\text{Growthit} = \beta_0 + \beta_1 \text{HCit} + \beta_2 \text{DKit} + \beta_3 \text{Vexet} + \beta_4 \text{DBkit} + \quad (۴)$$

uit

1 Solow

که در آن Growth، HC، DK، Vexه و DBk (k= 1,2,3,4)، به ترتیب رشد اقتصادی بخش‌های تولیدی، سرمایه انسانی (نرخ ورودی به آموزش عالی)، تغییر در موجودی سرمایه، نوسان یا تلاطم‌های نرخ ارز و شاخص‌های بهبود محیط کسب و کار و را نشان می‌دهند. تعاریف مشروح و منابع گردآوری داده‌های مرتبط با این متغیرها در جدول (۱) ارائه شده است. معادله (۴) با استفاده از شیوه داده‌های تابلویی پویا (GMM) برآورد می‌گردد. کاسلی و همکارانش^۱ (۱۹۹۶) برای اولین بار از این شیوه در برآورد مدل‌های رشد اقتصادی استفاده کردند. به کار بردن روش GMM پنل دیتای پویا مزیت‌هایی همانند لحاظ نمودن ناهمسانی‌ای فردی، اطلاعات بیشتر و حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی است که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر، با کارایی بالاتر و هم‌خطی کمتر در GMM خواهد بود. به طور کلی روش GMM پویا نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایایی از جمله حل مشکل درونزا بودن متغیرها، کاهش یا رفع هم‌خطی در مدل، حذف متغیرهای ثابت در طی زمان و افزایش بعد زمانی متغیرها است (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰).

جدول ۱- تعریف متغیرهای الگوی رشد اقتصادی بخش‌های اقتصادی کشور و منابع داده‌ها

منبع	شرح	متغیر
www.cbi.ir	نرخ رشد اقتصادی بخش i در زمان t (تفاضل لگاریتم تولید ناخالص بخش اقتصادی) که با استفاده از ارزش افزوده بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات به دست آمده است.	$Growth_{it}$ (DLPit)
www.worldbank.org	آموزش عالی، که به منزله ورودی‌های دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی است	HCit
www.cbi.ir	نرخ رشد بخش سرمایه	DKit
www.doingbusiness.org	شاخص‌های محیط کسب و کار (مراحل ثبت مالکیت، اخذ مجوز و تعداد مراحل مورد نیاز برای تجارت و شاخص حمایت از سرمایه گذاران)*	DBkit
www.theglobaleconomy.com	نوسان یا تلاطم‌های نرخ ارز	Vexet

1 Caselli, et al

* با توجه به شاخص‌های چهارگانه کسب و کار، الگو در چهار حالت برآورد شده است، به طوری که در هر حالت یکی از شاخص‌ها جایگزین شده است. منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج تجربی

آزمون تجربی الگو

الگوی تصریح شده در معادله (۱) برای بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات کشور (در طی دوری ۱۳۹۴-۱۳۸۳) با استفاده از آمارهای مؤسسه اجرای کسب و کار (DB) به روش داده-های تابلویی پویا (GMM) و کاربرد نرم‌افزار Stata (13) در چهار حالت متناسب با شاخص‌های چهارگانه بهبود محیط کسب و کار (مراحل ثبت مالکیت، اخذ مجوز و تعداد مراحل مورد نیاز برای تجارت و شاخص حمایت از سرمایه گذاران) برآورد شده است. بر این اساس نتایج برآورد مدل رشد اقتصادی بخش‌های اقتصادی کشور در جدول (۲) ارائه شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، رشد سرمایه‌انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی بخش‌های اقتصادی ایجاد کرده است. در حقیقت، هزینه‌های آموزش عالی نوعی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی به حساب آمده و سبب افزایش مهارت‌ها و توانایی‌های افراد در این بخش‌ها می‌شود. آن دسته از نیروی کاری که از سطح دانش و آموزش بیش‌تری برخوردار باشد، قادر است در چرخه تولید، پویایی و تحولات فناوری ایجاد کرده، سبب افزایش ظرفیت تولید و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر شود. سرمایه فیزیکی نیز تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی ایجاد کرده است. بدیهی است که تجهیز نیروی انسانی با سرمایه بیش‌تر، رشد این عامل مهم تولید را محقق می‌سازد. بنابراین، در ایجاد امنیت اقتصادی و محیط امن برای سرمایه‌گذاری و گسترش و متنوع کردن بازارها باید تلاش بیش‌تری انجام گیرد. از سوی دیگر، نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که مراحل ثبت مالکیت، اخذ مجوز و تعداد مراحل مورد نیاز برای تجارت اثر منفی و به لحاظ آماری معنادار بر رشد اقتصادی داشته است (به ترتیب حالت-های اول، دوم و سوم). همچنین شاخص حمایت از سرمایه گذاران اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی داشته است (حالت چهارم). این نتایج نشان می‌دهد هر چه مراحل ثبت مالکیت، مراحل اخذ مجوز و مراحل مورد نیاز برای تجارت کمتر باشد تولید و تجارت با سهولت و سرعت بیش‌تری افزایش یافته و در نتیجه رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. همچنین فراهم آوردن محیط امن و حمایت

سرمایه‌گذاران سبب افزایش انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری شده و رشد اقتصادی را به همراه داشته است. بر این اساس در شرایط پساتحریم تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری سبب تشویق سرمایه-گذاران خارجی شده و سبب جذب سرمایه‌های خارجی به اقتصاد کشور می‌شود که تقویت رشد اقتصادی را به دنبال دارد.

جدول ۲- نتایج برآورد الگوی رشد اقتصادی به روش داده‌های تابلویی پویا (GMM)، در چهار حالت

نام متغیر	حالت اول	حالت دوم	حالت سوم	حالت چهارم
Cons.	۳۵/۲۰ $۴۶/۲۳Z =$ $P> z =$./...	۱۷/۵۶ $۱۲/۴۴Z =$ $P> z =$./...	-۱۸/۵۶ $-۵/۹۱Z =$ $./...P> z =$	۹۷/۸۷ $۳۹/۷۹Z =$ $P> z =$./...
DLpit-1	۰/۳۹ $۲۹/۶۳Z =$ $P> z =$./...	۰/۷۰ $۲۸/۴۳Z =$ $= ./... P> z $	۲/۱۱ $۲۲/۷۹Z =$ $./...P> z =$	۰/۸۷ $۱۸/۲۸Z =$ $P> z =$./...
LDKit	۱/۲۷ $۴۱/۷۴Z =$ $P> z =$./...	۰/۶۷ $۱۵/۱۳Z =$ $P> z =$./...	۱/۰۲ $۱۰/۳۵Z =$ $./...P> z =$	۳/۷۲ $۳۲/۷۵Z =$ $P> z =$./...
LHCit	۰/۴۰ $۲۵/۷۶Z =$ $P> z =$./...	۰/۴۷ $۲۵/۲۵Z =$ $P> z =$./...	۱/۳۳ $۱۲/۲۷Z =$ $./...P> z =$	۰/۱۱ $۴/۲۰Z =$ $P> z =$./...
Vexet	-۰/۳۰ $-۱۲/۷۹Z =$ $P> z =$./...	-۰/۹۷ $۱۷/۶۱ Z =$ $P> z =$./...	-۱/۵۲ $-۱۵/۴۴Z =$ $./...P> z =$	-۲/۴۵ $-۲۹/۵۳Z =$ $P> z =$./...
DBkit	-۰/۲۶ $۴۲/۶۴Z =$ $P> z =$./...	-۰/۱۷ $۳۲/۴۶Z =$ $P> z =$./...	۴/۱۲ $۱۹/۳۲Z =$ $./...P> z =$	-۴/۲۲ $۲۹/۴۰Z =$ $P> z =$./...
آزمون‌های	Wald chi2(5)	Wald = chi2(5)	Wald chi2(5)	Wald chi2(5)

نام متغیر	حالت اول	حالت دوم	حالت سوم	حالت چهارم
تشخیصی	$1058/39 =$ Prob > $= 0/000 \cdot \chi^2$	$41300/62$ Prob > $= 0/000 \cdot \chi^2$	$22388/56$ Prob > $\chi^2 =$ $0/000$	$51361/63$ Prob > $\chi^2 =$ $0/000$

منبع: یافته‌های پژوهش

شرایط پسا تحریم: اثر رشد ناشی از سناریوی بهبود محیط کسب و کار:

بر اساس نتایج جدول (۲) شاخص‌های کسب و کار اثر معناداری بر رشد اقتصادی داشته‌اند بنابراین سناریوی بهبود محیط کسب و کار در چند حالت در نظر گرفته شده است، به این صورت که اگر شرایط پساتحریم برقرار شود و همزمان با آن شرایط بهبود محیط کسب و کار فراهم شود از جمله کاهش مراحل ثبت مالکیت، اخذ مجوز و تعداد مراحل مورد نیاز برای تجارت (به ترتیب حالت‌های اول، دوم و سوم) و تقویت حمایت از سرمایه گذاران (حالت چهارم) بهبود یافته که می‌تواند نهایتاً بر رشد اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی کشور مؤثر واقع شود. نتایج مربوط به تغییر در ضریب شاخص‌های کسب و کار بر اساس سه سناریو در جدول‌های (۳) و (۴) خلاصه شده است، و نشان می‌دهد با برقراری شرایط بیان شده اگر مراحل ثبت مالکیت، اخذ مجوز و تعداد مراحل مورد نیاز برای تجارت ۱۰٪ کاهش یابد رشد اقتصادی به شدت کمتری نسبت به حالت اولیه کاهش می‌یابد. همچنین افزایش حمایت از تجارت به میزان ۱۰٪ سبب می‌شود رشد اقتصادی به میزان بیشتری نسبت به قبل افزایش یابد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول بالا سه سناریو تعریف شده است: در سناریوی اول، دوم و سوم بهبود شاخص‌های کسب و کار به ترتیب به میزان ۱۰٪ (کوتاه-مدت)، ۲۵٪ (میان مدت) و ۵۰٪ (بلندمدت) در نظر گرفته شد. مطابق با نتایج جدول (۳) در هر چهار حالت بهبود شاخص‌های محیط کسب و کار رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت افزایش خواهد یافت. بدین ترتیب، بر اساس سناریوی اول اگر ۱۰٪ کاهش در شاخص مراحل ثبت مالکیت اتفاق بیفتد، به میزان ۵/۵٪ تغییر مثبت در رشد تولید بخش‌های اقتصادی کشور بوجود می‌آید، این در حالی است که برای سناریوهای دوم و سوم به ترتیب حدود ۶ درصد و ۷ درصد تغییر مثبت در رشد اقتصادی ایجاد می‌شود. به همین ترتیب چنانچه مطابق با سناریوهای سه گانه کاهش در شاخص‌های ثبت مالکیت، اخذ مجوز و تعداد مراحل مورد نیاز برای تجارت ایجاد شود،

مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار

تغییرات مثبتی در رشد اقتصادی بخش‌های تولیدی در شرایط پساتحریم قابل ملاحظه خواهد بود. در مقابل هر گونه افزایش در شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند منجر به رشد تولید بخش‌های اقتصادی شود که مهم‌ترین اثر نهایی آن خروج اقتصاد کشور از رکود و تورم مزمن شده است.

جدول ۳- ضریب برآوردی شاخص‌های کسب و کار در صورت اعمال سناریوی بهبود محیط کسب و کار

حالت چهارم	حالت سوم	حالت دوم	حالت اول		
-۳/۷۹	۵/۰۱	--۰/۱۴	-۰/۲۳	DBk it'	
$۲۹/۴۰Z =$	$۱۹/۳۲Z =$	$۳۲/۴۶Z =$	$۴۲/۶۴Z =$		
$P> z =$	$P> z =$	$P> z =$	$P> z =$		
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- درصد رشد تولید بخش‌های سه گانه کشور در صورت اعمال سناریوی بهبود محیط کسب و کار

حالت چهارم	حالت سوم	حالت دوم	حالت اول	
۹/۷۲	۳/۸۲	۷/۰۶	۵/۵۳	سناریوی اول*
۱۰/۶۹	۳/۹۹	۷/۶۷	۵/۹۴	سناریوی دوم**
۱۲/۳۳	۴/۲۹	۸/۷۰	۶/۶۲	سناریوی سوم***

منبع: یافته‌های پژوهش

* ۱۰٪ بهبود شاخص محیط کسب و کار

** ۲۵٪ بهبود شاخص محیط کسب و کار

*** ۵۰٪ بهبود شاخص محیط کسب و کار

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

در شرایط کنونی اقتصاد جهانی تمامی کشورها سعی در افزایش رشد اقتصادی دارند و عوامل مؤثر بر افزایش آن را به دقت تعقیب می‌نمایند. یکی از عوامل و شاید مهمترین عامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی بهبود محیط کسب و کار و مقررات نظارتی دولت‌هاست. پژوهش حاضر به بررسی رابطه محیط کسب و کار و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن شرایط پساتحریم پرداخته است. الگوی رشد اقتصادی ارائه شده در این مطالعه طی دوره‌ی ۱۳۹۴-۱۳۸۳ و با استفاده از روش GMM برآورد شده است. نتایج برآوردی این پژوهش حاکی از آن است که در دوره مورد بررسی بهبود وضعیت محیط کسب و کار موجب افزایش رشد اقتصادی شده و بالعکس افزایش مقررات و مراحل دست و پا گیر در فرایند انجام کسب و کار آثاری منفی بر رشد اقتصادی بر جای گذاشته است. با لغو تحریم‌های اقتصادی و با در نظر گرفتن سه حالت در روند اصلاحات سه سناریوی بهبود در شاخص‌های چهارگانه محیط کسب و کار در نظر گرفته شد. بر اساس نتایج در صورتی که بتوان در یک دوره کوتاه‌مدت به میزان ۱۰٪، در میان مدت به میزان ۲۵٪ و در بلند مدت ۵۰٪ درصد بهبود در محیط کسب و کار ایجاد کرد می‌توان شاهد رشد چشمگیر اقتصادی و برون رفت از شرایط رشد اقتصادی پایین فعلی بود. در نتیجه جهت دستیابی به چشم‌اندازهای رشد اقتصادی و استفاده از فرصت‌های ایجاد شده پس از لغو تحریم‌ها، مدیریت محیط کسب و کار و سلامت مقررات نظارتی ضروری است.

از این رو جهت بهره‌گیری از شرایط ایجاد شده پس از لغو تحریم‌ها راهکارهایی مثل کاهش مراحل ثبت مالکیت، اخذ مجوز، کاهش هزینه‌های انجام مراحل اداری، کاهش زمان صرف شده در فرایند شکل‌گیری کسب و کار، افزایش شفافیت و ایجاد قوانین با ثبات، ایجاد ثبات اقتصاد کلان از جمله نرخ تورم و نرخ ارز، بهبود شرایط و امکانات تجارت برون‌مرزی، بهبود نظام بانکی و مالی در جهت ارائه خدمات به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، گسترش زیرساخت‌های اولیه جهت جذب سرمایه، حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی در جهت افزایش توان رقابت با رقبای خارجی، شفافیت

بازار، گسترش مالکیت خصوصی و تسریع ثبت و انتقال مالکیت، تشویق سرمایه گذاران و کارآفرینان کوچک به راه اندازی کسب و کار از طریق ایجاد تسهیلات اعتباری و مالی، تضمین اصل سرمایه فعالان اقتصادی جهت افزایش انگیزه شروع فعالیت و افزایش اطلاعات و قراردادن اطلاعات در دسترس نهادهایی همچون گروه کسب و کار برای ایجاد تصویری شفاف از توان های بالقوه سرمایه پذیری کشور توصیه می شود.

منابع:

- بابکی، روح‌الله، سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۹۳)، " نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب با رویکرد داده‌های تابلویی ". مجله اقتصاد و توسعه منطقه-ای، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۸
- بختیاری، صادق، شایسته، افسانه (۱۳۹۱)، " بررسی تأثیر بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با تاکید بر ایران ". فصلنامه علوم اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۹، ص ۱۷۵-۲۰۴
- جوزدانی، نسیم (۱۳۹۲)، " بررسی شاخص‌های کسب و کار در ایران "، پژوهشنامه اتاق بازرگانی: نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان، سال چهاردهم، شماره ۶۴ و ۶۵
- حسینی، سیدمهدی، فهیمی‌فر، فاطمه (۱۳۸۹)، " نقش توسعه نظام مالی و بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ". مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس توسعه نظام تامین مالی در ایران، ص ۶۷۰-۶۸۷.
- حصارمقدم، نسرين، عبدلی، قهرمان (۱۳۹۲)، " بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر بهره‌وری بخش صنعت، در چهار گروه درآمدی در سال ". فصلنامه راهبرد اقتصادی، شماره ۴، ص ۷-۳۸
- دامن‌کشیده، مرجان، خدابخش‌زاده، سعید (۱۳۹۱)، " بررسی تأثیر مقررات کسب و کار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای G77 ". فصلنامه علوم اقتصادی، شماره ۱، ص ۸۱-۱۰۹.
- شهنازی، روح‌الله، دهقانی‌شسانی، زهرا (۱۳۸۸)، " بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب ". پژوهشنامه اقتصادی، ص ۱۶۱-۱۸۵.
- طیبی، سید کامیل، زمانی، زهرا (۱۳۹۱)، " اثر بازبودن اقتصادی بر تلاطم نرخ ارز: تجربه کشورهای OECD و ایران ". فصلنامه تحقیقات راه و اندیشه، ص ۱-۲۴.
- طیبی، سید کامیل، زمانی، زهرا، (۱۳۹۳)، " نقش آموزش عالی در بهبود محیط کسب و کار: ایران و چند کشور منتخب "، دومین همایش ملی تعامل صنعت و دانشگاه، کرمان، دانشگاه شهید با هنر کرمان، ۲۷ و ۲۸ فروردین ۱۳۹۳.

- عبداللهی، فرشته، مهربانی، فاطمه و مهدی بصیرت (۱۳۹۲)، "مقایسه اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو سازمان و توسعه اقتصادی و همکاری OECD". اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران.
- ندیری، محمد، محمدی، تیمور (۱۳۹۰)، "بررسی تاثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا"، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱-۲۴
- فته نامه خبری، تحلیلی وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال یازدهم، شماره ۴۰۴، دوشنبه، ۱۶ مرداد ۱۳۹۱.

- Haidar, J. I. (2012), "The Impact of Business Regulatory Reforms on Economic Growth," *Journal of the Japanese and International Economies*, 12 (2), 119-217.
- Busse, M. and J. Groizard (2005), 'FDI, Regulation and Growth', An Empirical Analysis, <http://webs.uvigo.es/viijspe/pdf/BUSSEGRIZARD.pdf>
- Busse, M. and J. Groizard (2008), 'Foreign Direct Investment, Regulation and Growth', *The world Economy*, Blackwell Publishing Limited, UK.
- Boudhiaf, M. and El G. T. Zribi (2014), "Business Regulations and Economic Growth: What Can Be Explained?" *International Strategic Management Review*, 2, 69-78.
- Coe, D. and E. Helpman, (1995), "International R&D Spillovers", *European Economic Review*, 39, 859-887.
- Massimiliani, C. and K. Sen (2011), "Do Effective State Business Relations Mater for Economic Growth? Evidence from Indian States," *World Development*, 39, 1542-1557.

- Hanusch, M. (2012), The Doing Business Indicators, Economic Growth and Regulatory Reform, Policy Research Working Paper.
- Saini, A., A. Zubaidi Baharumshah and S. H. Law (2010), “Foreign Direct Investment, Economic Freedom and Economic Growth: International Evidence”, *Economic Modeling*, 27, 1079–1089
- Stel, A., Story D.J., and Thurik A.R., (2006), "The Effect of Business Regulations on Young Business Entrepreneurship", *Small Business Economics*, 28(2-3), PP. 171-186.